

و مسئولیت‌ها را به صورت یکجا واگذار کنیم حرف درستی نیست، اگر ما از شهرداری کیفیت می‌خواهیم باید به او اختیارات لازم را هم بدهیم و پس از آن از شهرداری مسئولیت بخواهیم، پس باید توجه داشت که اختیارات و مسئولیت دو طیف یک موضوع‌اند که باید مستقیم به آن‌ها توجه شود، آن‌هایی که به طرح‌های جامع شهری انتقاد می‌کنند گزینه قابل قبولی منطبق با شرایط ما در ایران ارائه نمی‌کنند، دوم این که در مقابل این نقد راهکاری ندارند.

الگوهای جدید برنامهریزی شهری همانند CDS چه تأثیری بر حاشیه‌نشینی دارد؟ آیا این الگوهای جدید سبب جلوگیری از ایجاد حاشیه‌نشینی خواهند شد؟

من اعتقاد ندارم وضعیتی که در شهرهایمان داریم ناشی از طرح‌هاست بلکه اعتقاد دارم وضعیت موجود ناشی از اجرا نشدن صحیح طرح‌هاست، مشکلات موجود ناشی از اجرا نشدن صحیح طرح‌ها و عدول از برنامه و شفاف نبودن و فساد اداری است. ما در بسیاری از موارد طرح‌ها را دست‌کاری کرده‌ایم و بدون توجه به طرح، کاری برخلاف تأکیدات آن انجام داده‌ایم، ما به اسناد بالادستی ملتزم نبوده‌ایم. از دیگر مشکلاتی که ما با آن مواجه هستیم این است که وقتی سند پایین‌دستی را تهیه کردیم هیچ ارتباطی بین آن و سند بالادستی‌اش ایجاد نکردیم، این از ایرادات خود طرح نیست. یکی دیگر از ایرادات دخالت‌های گسترده در شهر است، اتفاقی که در نواب افتاد هیچ‌یک از اهداف نظام مدیریت شهری را برآورده نکرد و تبعات زیادی برای مردم و شهر داشت.

یعنی معتقدید این دخالت‌ها می‌تواند باعث بروز حاشیه‌نشینی شود؟

بله، یکی از مواردی که در تحقیقات به آن پی بردیم این بود که حتی یک نفر از ساکنان قدیمی محله نواب در این مکان زندگی نمی‌کنند، خیلی از این افراد با پولی که به آن‌ها پرداخت شد نتوانستند در داخل شهر بمانند و به‌ناچار به حاشیه‌نشینی را وروردند.

اجرای صحیح طرح‌های جامع و تفصیلی می‌تواند منجر به کاهش حاشیه‌نشینی شود یا تنها قادر به کنترل این معضل است؟

اجرای صحیح این طرح‌ها تنها می‌تواند به حاشیه‌نشینی دامن نزند، این یک ادعا و فرضیه است که انضباط شهری که ما معمولاً از طریق طرح‌ها آن را تعقیب می‌کنیم، می‌تواند جلوی حاشیه‌نشینی را بگیرد.

یکی از راهکارهای پیشگیری از حاشیه‌شهر تعیین مناسب حریم و حفاظت و نظارت بر محدوده خود حریم و خارج از حریم است، چقدر توانسته‌ایم این حریم‌ها را برای توسعه شهرها مناسب تعیین و بعد بر آن نظارت کنیم؟

مشکل و ایراد ما در حریم نیست، اول اجازه دهید به این سؤال پاسخ دهم که حریم به چه معناست؟ در قانون مدنی کشور حریم برای کمال انتفاع از موضوع حریم له در نظر گرفته شده است، یعنی برای آن چیزی که برایش تعیین حریم کرده‌ایم، حریم چاه برای کمال استفاده بردن از چاه در نظر گرفته می‌شود، حریم رودخانه و شهر هم به همین نحو.

حریم شهر برای کمال استفاده از شهر در نظر گرفته می‌شود و این بدین معنی است که شرایط در داخل شهر با حریم شهر باید متفاوت باشد، جدی‌ترین تفاوت هم در ساخت‌وساز است. یعنی وقتی در شهر می‌شود تحت ضوابطی ساخت‌وساز کرد، در حریم به‌جز در مواردی خاص مانند ایجاد گورستان، میدان میوه و تره‌بار، پایانه مسافری و شاید بیمارستانی که نیاز است از شهر دور باشد، نمی‌توان اقدام به ساخت‌وساز کرد. حتی برای ایجاد برخی فضاهای عمومی مانند مراکز ارائه خدمات گردشگری می‌توان اقدام به ساخت‌وساز در حریم کرد اما ساخت‌وساز مسکونی به‌هیچ‌وجه.

اما چرا این اتفاق به‌خصوص در شهرهای بزرگ ما رخ می‌دهد و ساخت‌وساز خارج از حریم رونق می‌یابد؟ در جواب باید بگویم در هنگام گسترش شهرهای بزرگ، همزمان این گسترش مناطق روستایی و حتی شهرهای کوچک در

آیا طرح‌های جامع شهری و تفصیلی مانع حاشیه‌نشینی یا مسبب حاشیه‌نشینی بوده است؟

طرح‌های تفصیلی و جامع فی‌نفسه نمی‌توانند عارضه حاشیه‌نشینی را افزایش یا کاهش دهند چون هدف این طرح‌ها نظم بخشیدن به استقرار در شهرهاست، ما می‌توانیم با اقداماتی که در شهرها انجام می‌دهیم از شدت حاشیه‌نشینی بکاهیم یا به آن دامن نزیم.

آنچه در شهرهای ما اتفاق افتاده است، تشکیل یک سانتریفیوژ اقتصادی است که تمامی مردم شهر اعم از ثروتمند و فقیر به آن وصل شده‌اند، حال این سانتریفیوژ هر قدر سریع‌تر بچرخد آن‌هایی که ضعیف‌ترند به اطراف پرتاب می‌شوند، یعنی این که هر قدر زمین در داخل محدوده شهرها گران شود، افراد ضعیفی که در داخل شهرها به مشاغل پایین و خدماتی مشغول‌اند و از بضاعت مالی کمتری برخوردارند با سرعت یافتن حرکت سانتریفیوژ به اطراف پرتاب می‌شوند و قادر به ماندگاری در محدوده شهر نیستند.

به همین دلیل هم افزایش نرخ رشد جمعیت در حاشیه‌شهرها بسیار بالاتر از متن شهرهاست، به‌عنوان مثال جمعیت شهری مثل تهران طی دو دهه گذشته دو و نیم برابر شده است اما جمعیت اطراف آن ۱۱ برابر افزایش یافته است اما در باره شهر مشهد باید بگویم که مشهد از جمله شهرهای کاملاً متمرکز است و افزایش تراکم و همچنین سیاست‌هایی که به گرانی زمین در مرکز شهر می‌انجامد، به‌شدت در این شهر رواج دارد.

احداث پروژه‌های تجاری بزرگ و سرمایه‌گذاری‌های عظیمی که حداقل تأثیرشان افزایش قیمت زمین در داخل محدوده شهری است، با این رویکرد، طبیعی است که باید حجم بیشتری از حاشیه‌نشینی را شاهد باشیم. حال به این موضوع بحث خشک‌سالی، اشتغال و مشکلات ناشی از شرایط اقتصادی را نیز اضافه کنید، یکی دیگر از مشکلاتی که مشهد با آن دست‌به‌گریبان است و از آن رنج می‌برد عارضه تمرکز است. در زمانی که هنوز تفکیک خراسان به سه استان خراسان رضوی، شمالی و جنوبی صورت نگرفته بود، چیزی بالغ بر ۸۵ درصد از سرمایه‌گذاری‌ها در محدوده شهر مشهد صورت می‌گرفت، این یعنی تهدید و دامن زدن به حاشیه‌نشینی. راه‌حل این مشکل این است که اگر قرار است در این شهر سرمایه‌گذاری صورت گیرد باید سرمایه‌گذاری‌ها در عرصه سرزمین توزیع شود. البته متناسب با مزیت‌های واقعی شهرهایی که در استان داریم، آنچه باید به آن توجه داشت این است که از این پس سرمایه‌گذاری‌ها در استان خراسان رضوی نباید در شهرستان مشهد صورت گیرد بلکه باید در یک عرصه وسیع صورت گیرد تا ایجاد تعادل کند.

اجرای طرح‌های جامع چه تأثیری در ایجاد تعادلی که به آن اشاره کردید دارد؟

در مقیاس طرح جامع خیر، اما از طرح‌های بالادست طرح جامع می‌توان این انتظار را داشت، طرح‌های مجموعه شهری مشهد و طرح ناحیه‌ای مشهد وظیفه دارند این تعادل را ایجاد کنند، البته این کار را هم کردند، هشدار دادند و متذکر شدند که به بار صنایع در محور قوچان اضافه نکنید اما متأسفانه باوجود این طرح‌ها و تذکرات هنوز هم وزارت صنعت معدن تجارت زیر بار نمی‌رود، چون تنها صنعت را می‌بیند و بخش عمده‌ای از مشکلاتی که در بحث حاشیه‌نشینی با آن مواجه هستیم ناشی از نگاه‌های بخشی است. نگاهی که اگر به آن دامن بزنید گویی به تمرکز دامن زده‌اید.

البته وزارت صنعت معدن تجارت وظیفه‌اش پرداختن به موضوع حاشیه‌نشینی و تمرکززدایی نیست اما باید به وظیفه اصلی خود که تبعیت از اسناد بالادستی است بپردازد، ما سال‌هاست که بحث محدودیت توسعه و رشد صنعت در محور جاده مشهد قوچان را داریم اما به آن عمل نشده است.

هم‌اکنون طرح‌های جامع و تفصیلی به‌خوبی اجرایی نمی‌شود، اگر این طرح‌ها توسعه متوازن را هم در نظر گرفته باشند، وقتی به درستی اجرا نمی‌شوند و مدیریت یکپارچه هم نداریم، چه فایده‌ای دارند؟!

هر طرحی ممکن است دارای معایب و محاسن خاص خود باشد، مدیریت یکپارچه شهری با مدیریت متمرکز شهری دو بحث کاملاً مجزا است. مدیریت می‌تواند یکپارچه باشد اما متمرکز نباشد و هماهنگ باشد اما این که اختیارات

من اعتقاد ندارم وضعیتی که در شهرهایمان داریم ناشی از طرح‌هاست بلکه اعتقاد دارم وضعیت موجود ناشی از اجرا نشدن صحیح طرح‌هاست، مشکلات موجود ناشی از اجرا نشدن صحیح طرح‌ها و عدول از برنامه و شفاف نبودن فساد اداری است